

جهان در مسألی که گذشت

مبارزه برای صلح و ترقی ادامه دارد

دیگری در روند تحکیم ساختمان سوسیالیسم برای خلق هایی که چنین طرحی را در پیش رو دارند و بالاخره سال شکست اقتصادی «برهای آسیایی» دانست.

تحولات سال ۱۹۹۷ در خطوط عمده خود نمایشگر اعاده اطمینان نیروهای ترقی خواه و زحمتکش جهان به پیروزی قانونمند خود در مقابل سرمایه داری بود. تشدید مبارزه طبقاتی کیفیتا نوین و بغرنج در کشورهای سرمایه داری جهان از اسرائیل، ژاپن و کره جنوبی گرفته تا فرانسه و ایتالیا و آلمان و دستاوردهای این مبارزه در عقب راندن هارترین محافل سرمایه داری، شروع دور جدیدی از مبارزه خلق ها را بشارت می دهد. شکست سرمایه داری در ارایه

ادامه در ص ۶،۵،۴

روند تحولات و رخدادهای بین المللی در طول سال ۱۹۹۷ را باید بازتابی روشن از این امر قانونمند تاریخ دانست که در مبارزه خلق ها برای پیشرفت و عدالت، گرچه اینجا و آنجا شکستی را می توان متصور بود و یا عقب گردی را متحمل شد، لیکن در تحلیل نهایی، پیروزی عنصر نو و بالنده حتمی است. قدم به قدم و لحظه به لحظه در طول سال گذشته شاهد مبارزه علیه مظاهر و ساختارهایی بودیم که در طول دهه ۹۰ میلادی و به دنبال اعمال «نظم نوین جهانی»، امپریالیسم آنان را همیشگی و غیر قابل بازگشت می دانست.

در یک تحلیل کوتاه سال ۱۹۹۷ را باید سال تجدید قوا و مبارزه طلبی طبقه کارگر، سال شکست سرمایه داری در ارایه راه حل برای بحران ها، سال پناه جستن امپریالیسم به نظامی گری بیشتر، سال پیروزی های نسبی جنبش های رهایی بخش، سال

نامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۲۲، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۱۶ دی ماه ۱۳۷۶

شادباش به هم میهنان مسیحی

سال نو میلادی، ۱۹۹۸ را به همه هم میهنان مسیحی صمیمانه تبریک می گویم و شادکامی و بهروزی برای آنان آرزوی می کنیم.

بگذار سال نو برای هم میهنان مسیحی ما سال تحقق آرمان های انسانی آنان در میهنی آزاد و رسته از بند های ستم استبداد رژیم «ولایت فقیه» و تبعیضات قومی، مذهبی و ملی باشد. بی شک تحقق چنین آرزویی در گرو پیکار مشترک ما علیه رژیم ارتجاعی حاکم بر میهن ماست.

در این شماره

- ۲ص ابراهیم یزدی آزاد شد
- سند گویایی در مورد ماهیت واپسگرایانه دست اندرکاران
- ۳ص دانشگاه آزاد اسلامی
- ماتریالیسم دیالکتیک و
- ۳ص معماهای فیزیک کوانتم
- ماده ۸۲ قانون تامین
- ۷ص اجتماعی مغایر منافع کارگران
- نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره پنجم
- ۸ص جبهه چپ متحد اسپانیا

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران دستگیری دکتر ابراهیم یزدی را شدیداً محکوم می کند

بر اساس گزارش روابط عمومی نهضت آزادی ایران، دکتر ابراهیم یزدی، دبیرکل این سازمان، روز یکشنبه ۲۳ آذرماه بدون کوچکترین توضیحی، به دادستانی انقلاب احضار و سپس عصر همان روز به زندان اوین منتقل شده است. دستگیری دکتر یزدی در شرایطی که محمد خاتمی رئیس جمهور رژیم در اجلاس سران کشورهای اسلامی تحقق جامعه مدنی، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر را اصول اساسی سیاست دولت ایران اعلام کرد، نشانگر تفاوت آشکار میان ادعاها و عملکرد های رژیم «ولایت فقیه» است. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این عمل پاسداران ارتجاع و واپسگرایی که در تضاد آشکارا با حقوق بشر و حتی مواد مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی است، خواهان آزادی فوری و بدون قید شرط دکتر یزدی و صدها زندانی سیاسی دیگری است که در زندان های قرون وسطایی رژیم «ولایت فقیه» شکنجه و آزار می بینند. یورش های سازمان یافته نیروهای ارتجاعی در هفته های اخیر از ضرب و شتم آیت الله منتظری و سپس دستگیری او تا یورش به همایش های دانشجویی و به صحنه آمدن مجدد چاقو کشان و چماق داران «حزب الله» نشان می دهد که رژیم «ولایت فقیه» مصمم است تا با تقابل آشکار با اراده توده های میلیونی و تشدید جو سرکوب و اختناق از تحقق خواست های به حق اکثریت مردم میهن ما برای آزادی، استقرار جامعه مدنی و حرکت به سمت دست یابی به عدالت اجتماعی جلوگیری کند و توده های مردم خواهان تحولات سیاسی و اجتماعی را مایوس و دلسرد کند. انتخابات دوم خرداد ماه و شکست قاطعانه مدافعان «ذوب در ولایت» از جمله نامزد «ولی فقیه» برای ریاست جمهوری نشان داد که مردم متحد و سازمان یافته توان آن را دارند که هر سدی را از سر راه خود بردارند. حوادث و رویدادهای کشور در ماه های اخیر باردیگر نشان می دهد که تحقق جامعه مدنی، و دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی در گرو مبارزه سازمان یافته و متحد مردم و اادار کردن حاکمیت استبدادی به عقب نشینی گام به گام است.

حزب توده ایران باردیگر همه نیروهای مترقی، دموکراتیک و آزادی خواه کشور را به اتحاد عمل و ایجاد جبهه واحد ضد دیکتاتوری در مقابل حاکمیت استبدادی «ولایت فقیه» فرا می خواند.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
چهارشنبه ۲۶ آذر ماه ۱۳۷۶

لایحه بودجه سال ۱۳۷۷ - نمودار ناتوانی رژیم «ولایت فقیه» در حل معضلات اقتصادی - اجتماعی

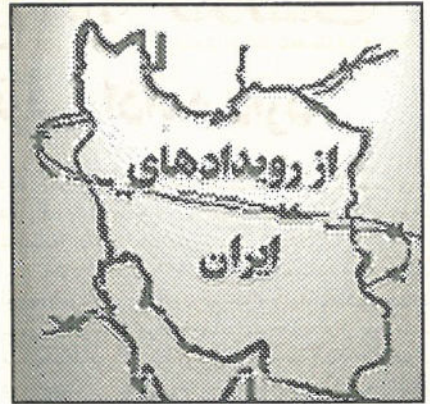
روز یکشنبه ۹ آذرماه، لایحه بودجه ۲۳۳ هزار و ۶۹۹ میلیاردی سال ۱۳۷۷ کل کشور از سوی محمد خاتمی تقدیم مجلس شورای اسلامی شد. خاتمی در سخنرانی خود به هنگام ارائه لایحه بودجه از جمله خاطر نشان کرد: «آنچه مهم است و دوستان ما سعی کرده اند در این بودجه نمایان باشد، عمدتاً جنبه های جهت گیری ها است. بودجه ما انقباضی نیست، بلکه بودجه ای است که با توجه به ظرفیت های موجود کشور تنظیم شده جهت گیری این انطباط انطباط مالی و اداری و توجه به واقعیت های موجود جامعه بوده است، صرفه جویی در این بودجه مورد توجه قرار گرفته است... آنچه در این بودجه مورد توجه بوده تا حدودی آن هم نه صدرصد، همچنانکه در شعار ها مطرح شده بود، در درجه اول مبارزه با جلوه های خشن فقر است... ما در زمینه اشتغال و تولید هم سعی کرده ایم... تا آنجا که می شود البته با توجه به امکانات موجود جهت گیری مناسب داشته باشیم...»

وی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد: «بخش خصوصی ما باید فعال بشود باید سرمایه ها تأمین داشته باشند و به کار بیفتند و عمده کاری که دولت و مجلس می توانند بکنند، بستر سازی و زمینه سازی برای به کار افتادن امکانات کل کشور جهت جوابگویی به این معضل بزرگ [بیکاری گسترده] است». (اطلاعات ۱۰ آذرماه ۱۳۷۶). پس از تقدیم

ادامه در ص ۷

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



دکتر ابراهیم یزدی آزاد شد

نهضت آزادی در اطلاعیه ای که روز ۴ دی ماه منتشر شد خبر داد که: «که از جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی که از روز ۲۳ آذرماه ۱۳۷۶ جهت بازپرسی توسط دادستانی انقلاب دستگیر و از آن هنگام در زندان اوین بسر می برد رفع بازداشت شده است. لیکن در مورد علت و جزئیات آن تا این لحظه هنوز اطلاعی در دست نیست». بر اساس گزارش خبرگزاری های جهان، خبرگزاری جمهوری اسلامی علت دستگیری یزدی را «توهین به مقدسات اسلام» ذکر کرده است و یادآور شده است که نامبرده به قید ضمانت آزاد تا تعیین تکلیف نهایی آزاد گردیده است (بیانیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران در محکومیت دستگیری دکتر یزدی در همین شماره نامه مردم درج شده است).

سؤال - جواب وزیر کشور در مجلس

عبدالله نوری در هفته گذشته در مجلس حاضر شد تا به پرسش نماینده دزفول در مورد علت دادن مجوز به گروه «اتحادیه اسلامی دانشجویان» در مقابل دانشگاه تهران پاسخ دهد روزنامه همشهری (دوشنبه ۱ دی ماه) در توضیح این جلسه مجلس که به دفعات با تشنج و درگیری روبرو بود درباره علل این تشنج می نویسد: «بر اساس آئین نامه داخلی مجلس نماینده پرسش کننده و وزیر مربوطه نمی توانند خارج از موضوع پرسش و یا پرسش ها سخن بگویند. هنگام ادای توضیحات توسط نماینده دزفول، وی بخش عمده ای از وقت خود را علیه نهضت آزادی سخن گفت و رییس مجلس شورای اسلامی نیز به وی تذکر نداد که خارج از موضوع سخن نگوید ولی هنگام توضیحات وزیر کشور که از نماینده دزفول گله می کرد که در مورد دادن مجوز قانونی به یک گروه پرسش می کنید ولی در مورد اقدامات خلاف قانون گروهی که به سینماها، حوزه علمیه، دفاتر روزنامه ها و ... حمله می کنند سؤال نمی کنید، رییس مجلس به وزیر تذکر داد که خارج از موضوع صحبت نکند. همین تذکر جو مجلس را متشنج کرد و گروهی به حمایت از وزیر و گروهی نیز به حمایت از رییس مجلس مطالبی عنوان کردند... عده ای به برخورد غیر عادلانه رییس مجلس اعتراض کردند موحدی ساوجی نیز با داد و فریاد به وزیر کشور اعتراض می

کرد، در این موقع، قمی نماینده ورامین که صدای وی نیاز به بلندگو ندارد از موحدی خواست ساکت بنشیند و گفت اگر بنا به داد و فریاد است، صدای من از شما بلندتر است. نماینده خرم آباد نیز فریاد زد: درود بر وزیر کشور مقتدر...»

تعریف «ذوب در ولایت»

روزنامه سلام (چهارشنبه ۳ دی ماه) در ستون «پاسخ ویژه» خود بحثی را در مورد «ولایت مطلقه فقیه» و معنی آن را مطرح کرده است که حاوی نکات جالب و افشاگرانه ای است. روزنامه سلام در پاسخ خود به خواننده ای که می پرسد ارتباط «ولایت مطلقه» با آزادی تفکر چیست با ارائه هشت تعریف متفاوت که همگی تأیید و تأکیدی مجدد بر ماهیت عمیقاً ارتجاعی و استبدادی این اصل است در انتهای پاسخ اضافه می کند: «البته هستند جماعتی که قرائتی خاص از ولایت فقیه دارند که خارج از همه هشت قرائت است که در بالا بر شمرديم و آن قرائت «ذوب در ولایت» است که می گویند نه تنها تمامی مردم هر دستوری را که از سوی فقیه حاکم صادر شد بدون چون و چرا اطاعت کنند بلکه اگر چیزی را که دستور نداده، ولی اظهار میل و رغبت کرده است مردم باید آن را هم مطابق رغبت و رضایت ولی فقیه حاکم انجام دهند و بلکه بالاتر از آن، اگر چیزی را مردم می دانند که مورد علاقه فقیه حاکم است ولی بنابر دلایلی آن را به زبان نمی آورد، آن را نیز باید همانگونه که او علاقه دارد انجام دهند، یعنی همانگونه که برف در برابر حرارت آفتاب آب می شود و همانگونه که یک قطعه آهن در کوره ذوب می گردد و شکل و ماهیت خود را از دست می دهد، افراد جامعه نیز باید نظر و خواست و اراده خود را در برابر نظر و خواست و اراده فقیه حاکم ذوب کنند و آب شوند و در برابر خواست و اراده او تسلیم بی چون و چرا گردند...»

اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی

کمال خرازی، وزیر امور خارجه رژیم در مصاحبه ای با روزنامه «الشرق الاوسط» در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی از جمله یادآور شد: مهمترین اولویت سیاست خارجی ایران بهبود و تحکیم روابط با کشورهای همسایه است. وی سپس افزود: «برقراری روابط حسنه با عربستان سعودی یکی از اولویت های سیاست خارجی ایران است.» به گفته خرازی «برای این امر اراده سیاسی وجود دارد و این اراده در طی دیدارهای امیر عبدالله با مسئولین ایران به نمایش گذاشته شد». خرازی ضمن رد مداخله در امور داخلی دیگران، «این اصل را یکی از اصول خدشه ناپذیر سیاست ایران دانست و گفت ما به اصولی که رییس جمهور بر آن تأکید کرده اند، پای بندیم و معتقدیم که فضای جدید در منطقه بوجود آمده و همه به آینده ای همراه با امکان پدید آمدن افق های جدید می نگرند...»

بهبود روابط ایران و آلمان

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری

اسلامی رییس مجلس آلمان، این کشور باید به فکر بهبود روابط با ایران باشد. دیدار حسین موسوی (سفیر سابق ایران) و خانم ریتازوسموت رییس مجلس آلمان گفت: حتی در دوران گفت و گو های انتقادی بین دو کشور تماس ها و رفت و آمدهای بسیار فعالی وجود داشت و آلمان از این بابت مورد انتقاد شدید بود. بر اساس گزارش ایرنا خانم سموت اضافه کرد: ما حق نداریم از اینجا برای دیگران دین تعیین کنیم و نباید پذیرفت که در دنیا مواضع با اعمال زور بخواهد به دیگران تحمیل شود... لازم به تذکر است که در هفته اخیر احمد عزیزی به جای موسویان به سمت سفیر ایران در آلمان تعیین شد. مفسران سیاسی این تعویض سفیر را گامی از سوی ایران برای بهبود روابط با آلمان ارزیابی می کنند.

فضای سیاسی کشور از زبان دکتر سروش

هفته نامه «امید زنگان» در شماره اخیر خود ضمن اشاره به عملیات گروه های فشار و چماق دار از قول دکتر سروش در مورد وقایع اخیر دانشگاه امیر کبیر می نویسد: «این حادثه کاملاً به من نشان داد که آن گروه یعنی همان جناح شکست خورده آنهایی که زبان زمانه را نفهمیدند و ندانستند که مردم به حقیقت در پی چه هستند در نتیجه شعارهایی دادند که کاملاً با عقل و با دل مردم ناآشنا و نامأنوس بود. آنان در پی آن هستند که بر علیه اکثریت شیوه های خشن خود را اعمال کنند. این واقعه به من ثابت کرد که آن جناح شکست خورده به هیچ وجه مایل نیست فضای سیاسی کشور باز شود و از انجام یک سخنرانی هم جلوگیری کرد...»

رئه شما چه که جریان چیست!

محمد یزدی رییس قوه قضائیه که باید به او لقب یکی از «استوانه های» ارتجاع، استبداد و واپسگرایی را اعطاء کرد، روزی نیست که در سخنرانی های گوناگون به عنوان یکی از سخنگویان عمده دفاع از رژیم استبدادی «ولایت فقیه» داد سخن ندهد. از آخرین افاضات این جناب سخنان تهدید آمیز وی در نماز جمعه تهران (در روز جمعه ۲۸ آذر) بود که گفت: «بعد از هشت سال ... چتون میشه؟ چیه؟ یکی اونجا سخنرانی می کند، یکی تو اون حجره مقاله می نویسد، یکی یکی توی جلسه خصوصی اش فلان حرف را می زند... یکی هم میره قم فلان روحانی را تحریک می کند... نظام اسلامی طبیعی است که در برابر این مسایل نمی تواند آرام بنشیند و مطابق وظایف خودش عمل خواهد کرد...»

و در مراسم تحلیف عده ای از کارآموزان قضایی گفت: «چند ساعت پس از بازداشت دکتر ابراهیم یزدی، خبرگزاری فرانسه نخستین خبر را می دهد... بعدش هم حتماً خبرگزاری آمریکا و بعد هم خبرگزاری خودمان می پرسد که آقا چرا همه خبرگزاری ها گفته اند، ما (منظور خبرگزاری جمهوری اسلامی) هم می خواهیم جوابی بدهیم. بالاخره بگویند که جریان چیست؟ ما می گویم به شما چه که جریان چیست؟ مگر باید به شما بگویم که چیست؟»

از اروین مارکیت - عضو دانشکده فیزیک دانشگاه مینستا در آمریکا
ترجمه از دنیای روزانه مردم، ارگان حزب کمونیست آمریکا

ماتریالیسم دیالکتیک و معمای فیزیک کوانتم

اخیرا در یک آزمایش فیزیک، دو ذره بنیادی (Particles) با فاصله هفت مایل از یکدیگر بنظر می رسد که از رفتار یکدیگر باخبرند، این دو به طور همزمان با سرعتی بیش از سرعت نور که حداکثر سرعت برای انتقال اطلاعات می باشد، با هم در ارتباط بودند.

در مناظره معروفی در سال های ۱۹۳۰، آلبرت اینشتن استدلال می نمود که تعبیر نیلزبور از تئوری کوانتم منجر به پیش بینی مسخره آمیزی خواهد شد که دو ذره در یک چنین آزمایشی، رفتاری چنان هم آهنگ از خود نشان خواهند داد. بور پاسخ می داد که این دقیقا همان چیزی است که اتفاق خواهد افتاد. آزمایش طرح ریزی شده یک «آزمایش فکری» نام نهاده شده بود چرا که در آن زمان از لحاظ تکنیکی عملی نبود. تنها در سال ۱۹۷۸ بود که این آزمایش بین دو ذره با فاصله چند قدم از یکدیگر صورت پذیرفت.

از آن تاریخ، آزمایش هایی برای فواصل بیشتر تکرار گردیده اند و هر بار پیش بینی بور تایید گردیده است. روزنامه نیویورک تایمز به تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۷ از یکی از کارشناسان برجسته فیزیک کوانتم نقل نمود که این ارتباطات میان ذرات «یکی از معمای ژرف مکانیک کوانتم می باشد» و «تلاش برای توضیح فلسفی آنها بسیار دشوار است».

ماتریالیسم دیالکتیک که توسط مارکس و انگلس در درجه اول برای مطالعه اقتصاد و سرمایه داری و تغییرات اجتماعی، به دقت تشریح شده بود، مدت زمانی است که بیش فلسفه لازم برای درک تحولات انقلابی در فیزیک را فراهم کرده است. برای مثال، انگلس نشان داد که چگونه دیالکتیک، درک روشنتری از قانون بقای انرژی هلمرتز را بهتر از خود او ارائه داده است. لنین، به نوبه خود، نشان داد که کشف زوال رادیو اکتیوی اتم، که قبلا جاودانی، تغییر ناپذیر و انهدام ناپذیر فرض می شد، به هیچ وجه بینش ماتریالیستی را که اساس عایی هر آنچه را که وجود دارد در جهان مادی می دید، خدشه دار نمی کند. این برای لنین مهم بود چرا که مارکسیسم بر آن است که پایه اساسی آگاهی بشری، و بخصوص آگاهی اجتماعی، (عقاید و سیستم فکری ما) شرایط مادی جامعه می باشد.

تعبیر ماتریالیستی در عمل متقابل هم آهنگ در فاصله هفت مایلی، می تواند بر دیالکتیک پدیده و ماهیت بنا گردد، مساله ای که مارکس در بحث تولید کالایی در سرمایه داری بکار گرفت. نکته مهم در بحث مارکس تفاوت میان ارزش و قیمت بود. ارزش یک کالا، یعنی ماهیت کمی درونی آن، به گفته مارکس براساس زمان نیروی کار اجتماعا لازم برای تولید آن کالا تعیین می گردد. اما این کمیت هیچگاه به طور مستقیم در نظر گرفته نمی شود. آنچه در نظر گرفته می شود قیمت کالا است. یعنی، نتیجه فعل و انفعال خارجی آن در بازار. اقتصاد دانان بورژوازی استفاده ای برای ارزش ندارند چرا که نشان می دهد که سود سرمایه داران را، نه ابتکار آنها، بلکه نیروی کار پرداخت شده مزد بگیران تامین می کند.

مارکس نشان داد که قیمت یک کالا بالاتر و یا پایین تر از ارزش آن خواهد بود چون در سرمایه داری قبل از انحصاری، قیمت چنان تعیین می گردید که میزان متوسط سود را تامین کند، هرچند که نسبت مزد به سرمایه ثابت در صنایع مختلف تفاوت داشت.

در آزمایش فیزیک مورد بحث، ذره ای به نام فوتون به دوفوتون که در جهت متقابل حرکت می کنند تقسیم می شود. دو دستگاه ردیاب در فاصله هفت مایلی از یکدیگر گذاشته می شوند. براساس تئوری کوانتم، هر فوتون به طور مساوی احتمال فعل و انفعال با دستگاه ردیاب در یکی از دو طریق ممکن دارد. مشخص شد که وقتی یکی از فوتون ها در یک مسیر با دستگاه ردیاب خود برخورد نماید، فوتون دیگر با دستگاه ردیاب متقابل در تقابل خواهد بود. بنابراین نتیجه مجموع به بقای یک خاصیت اصلی فوتون اولیه منجر می گردد. بور استدلال می کرد که دوفوتون در حقیقت دو جزء مجزا از یکدیگر نیستند، بلکه به صورت یک سیستم بهم پیوسته عمل می نمایند، اینکه دستگاه های ردیاب چقدر از هم فاصله دارند اهمیتی ندارد.

سند گویایی در مورد ماهیت واپسگرایانه دست اندر کاران دانشگاه آزاد اسلامی

در هفته های اخیر برخوردها میان دانشجویان و ارگان های سرکوبگر و چماق داران رژیم ابعاد بسیار گسترده ای پیدا کرده است. در آذرماه تعدادی از دانشگاه های کشور صحنه زدوخوردها و برخورد میان دانشجویان و مسئولان دانشگاه ها بود. از جمله به عنوان نمونه می توان به اعتراض وسیع دانشجویان دانشگاه آزاد اراک به کمبودها و مشکلاتی که مسئولان ارتجاعی این دانشگاه ایجاد کرده اند اشاره کرد. یکی از مسایل مهم و کلیدی این برخوردها رفتار غیر انسانی و ارتجاعی مسئولان و حفاظت دانشگاه با دانشجویان دختر است. بر اساس گزارش روزنامه «اخبار» به دختران دانشجو حتی اجازه داده نمی شود تا در محوطه دانشگاه بایستند و با هم گفت و گو کنند.

اخیرا سندی در مورد سیاست های اعمال شده از سوی مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی استان مرکزی اراک به دست ما رسیده است که بسیار گویا و افشاگرانه است. در این سند که که از سوی سرپرست «معاونت آموزشی مجتمع خواهران» به امضاء رسیده است ضمن تاکید بر اجرای طرح کامل جدا سازی دختران و پسران دانشجو می خوانیم: «در ادامه طرح جدا سازی در دانشگاه و ارائه خدمات آموزش به خواهران دانشجو در مجتمع آموزشی مستقل که تمامی کادر اداری و خدمات آموزشی از خواهران می باشد بدنبوسیله اعلام می دارد که هیچگونه تمرین و یا اجرای نمایشی به صورت مختلط چه در دانشگاه و چه در خارج از آن از طرف دانشگاه برگزار نمی شود و تمامی فعالیت های درسی فوق برنامه به صورت مستقل و به تفکیک خواهر و برادر انجام خواهد شد...».

دانشگاه آزاد اسلامی مرکز اراک

رئیس محترم دانشجو خواهران

زنده

۱۳۷۶

با سلام و احترام

در ادامه طرح جدا سازی در دانشگاه و ارائه خدمات آموزشی به خواهران دانشجو در مجتمع آموزشی مستقل که محاسباتی کادر اداری و خدمات آموزشی از خواهران میباشد بدنبوسیله اعلام می نماید که هیچگونه تمرین و یا اجرای نمایشی مختلط چه در دانشگاه و چه در خارج از آن از طرف دانشگاه برگزار نمیشود و تمامی فعالیت های درسی و فوق برنامه به صورت مستقل و به تفکیک خواهر و برادر انجام خواهد شد. مراتب جهت اطلاع به جنابمائی گزارش گردیده است.

سرپرست مجتمع آموزشی خواهران

آزادی برای همه زندانیان
سیاسی ایران!

ادامه جهان در سالی که گذشت ..

یک راه حل برای مشکلات عمده ای که در دهه اخیر به دلیل گرفتن راه سرمایه داری در کشورهای اروپای شرقی به وجود آمده است، رسوایی نیروهای سوسیال دموکرات در اینکه راه حل پیشنهادیشان در عمل جز سرمایه داری نیست و حلال مشکلات خلق ها نمی باشد و پایداری نیروهای کارگری برای دفاع از حقوق و دستاوردهای بشری - پس از یک دوران عقب نشینی که محصول شکست سوسیالیسم در اروپای شرقی بود - باردیگر اعتماد به نفس جدید را به خلق ها و نیروهای مردمی بخشیده است.

سال ۱۹۹۷ با مبارزه پرشکوه کارگران صنعتی کره جنوبی و فعالان اتحادیه های کارگری این کشور علیه اقدام غیر قانونی دولت به تصویب قانون کار ضد دموکراتیک آغاز شد.

پیوستن وسیع ترین اقشار و نیروهای کارگری و حمایت بین المللی از کارگران صنعتی، دولت کره جنوبی و کارفرمایان این کشور را به عقب نشینی مجبور کرد. سال ۱۹۹۷ با انتخاب یک رییس جمهور جدید که در گذشته از اتحادیه های کارگری حمایت کرده است و در دورانی که بحران همه جانبه ای سیستم اقتصادی - سیاسی کره جنوبی را فرا گرفته است به پایان رسید.

سال ۱۹۹۷ در شرایطی آغاز شد که بوریس یلتسین با بیماری دست و پنجه می زد و بحرانی سیستم سیاسی روسیه را دربر گرفته بود و در شرایطی که پایان می رسد که نیروهای اپوزیسیون ابتکار عمل را به دست گرفته و طرفداران عملکرد بازار آزاد در این کشور در تنگنا قرار دارند. آناتولی چوبایس از طراحان اعاده سرمایه داری در روسیه در معرض برکناری از پست معاونت اول نخست وزیر بوده و نخستین همدست دیگر یلتسین را خطر برکناری تهدید می کند. در جمهوری چک همپالگی های یلتسین دولت واسلاو کلاوس زیر فشار نیروهای مردمی و به دلیل افتضاحات مالی مجبور به استعفا گردید. تظاهرات ۱۲۰۰۰۰ فعالان اتحادیه های کارگری در روز ۸ نوامبر در پراگ را باید نشانه واضحی از نارضایتی توده ای از سیاست نیروهای دانست که در سال ۱۹۸۹ طی یک ضد انقلاب نوین تحت نام «انقلاب مخملی» قدرت را به دست گرفته بودند. استعفای دولت کلاوس در اوج افتضاح مالی و فاش شدن این امر که حزب «دموکراتیک مدنی» میلیون ها دلار از کمپانی هایی که از سیاست های خصوصی سازی او سود برده بودند کمک گرفته و در بانک های سوئیس حساب های ویژه دارد به سرمایه داری چک تحمیل شد. کارنامه این دولت طی سال گذشته به حراج گذاردن استقلال سیاسی کشور از طریق الحاق جمهوری چک به پیمان امپریالیستی ناتو، قبول استقرار سلاح های هسته ای ناتو در خاک این کشور و تحمیل میلیاردها هزینه نظامی به کرده توده های زحمتکش است. در طرح بودجه ۱۹۹۸ افزایش ۲۲ درصدی بودجه مصارف نظامی پیشنهاد شده است. از نظر اقتصادی جمهوری چک هیچگاه در تاریخ خود با چنین وضعیتی بحرانی ای روبرو نبوده است. میزان رشد اقتصادی کشور در سه ماهه اول سال ۱/۵ درصد در سه ماهه دوم ۱/۲ درصد و در سه ماهه سوم فقط ۰/۸ درصد بوده است.

بحران اقتصادی - اجتماعی - سیاسی همه جانبه مختص چک نبوده است. روسیه، بلغارستان، رومانی، اوکراین، مولداوی، آلبانی و کشورهای سابقا سوسیالیستی با مشکلات اقتصادی - اجتماعی دست به گریبان هستند. در روسیه بحران عدم پرداخت حقوق کارگران و کارمندان ابعاد بی سابقه ای به خود گرفته است. بیکاری و تعطیلی موسسات تولیدی به پدیده ای عادی در سراسر کشور تبدیل شده است. در کشوری که مرکز یک ابرقدرت توانا محسوب می شد اکنون فحشا و جنایتکاری بی داد می کند، تعداد کودکان بی خانمان و ولگرد و مبتلا به بیماری های مقاربتی از دهها هزار گذشته و بخشی از صادرات روسیه، اوکراین و گرجستان را بردگان جنسی به کشورهای عربی خلیج فارس و دیگر کشورهای آسیایی تشکیل می دهد.

در آلبانی زحمتکشان در طلب سپرده های خود که به امید بهره و سود بالا به موسسات مالی مافیایی تحت حمایت دولت سپرده شده بود، به خیابان ها ریختند و در پایان در قیام مسلحانه ای نیمی از کشور را تحت کنترل گرفتند. خیزش توده ای به حیات حزب «دموکراتیک» سالی برشا که در طول قدرت خود صنعت، کشاورزی و سیستم آموزشی کشور را از بین برده بود پایان داد و در ماه ژوئن به قدرت گیری حزب سوسیالیست منجر شد. ابعاد فاجعه در آلبانی وسیع است. یک سوم مردم کشور به خصوص جوانان در جستجوی حداقل شرایط زندگی، مهاجرت کرده اند، اقتصاد سقوط کرده است و مردم با محرومیت های گوناگون روبرو هستند. و این همه به دلیل و در نتیجه تبعیت مستقیم از سیاست های امپریالیست های آمریکایی و ایتالیایی به وجود آمده است. آنچه که رخ داده های سال گذشته به وضوح نشان داد این بود که اعاده سرمایه داری و حاکمیت بازار آزاد به نابودی استعدادهای کشورهای سوسیالیستی سابق، استقرار فقر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و باز گشودن راه نواستعمار منجر شده است. ناتوانی نیروهای سیاسی راست و یا سوسیال دموکرات جدید در کشورهای سوسیالیستی سابق به ارائه راه حل مشکلات عدیده اقتصادی - اجتماعی عرصه جدیدی برای فعالیت نیروهای دموکراتیک کارگری گشوده است. حضور و فعالیت موثر احزاب پر قدرت کمونیست در روسیه، چک، اسلواک، اوکراین و رومانی را در این راستا

باید ارزیابی کرد. در سال گذشته حزب کمونیست فدراسیون روسیه گام به گام مبارزه ای بفرنج و همه جانبه را پیش برد که ثمر آن در اکتبر تشکیل «شورای چهار نفره» مرکب از یلتسین و نخست وزیر و سخنگویان دوما و شورای فدراسیون برای تصمیم گیری در مورد مسایل عمده اقتصادی - سیاسی و از سوی دیگر محدود کردن فضای عمل عاملان سرمایه داری چون آناتولی چوبایس و بوریس نمستوف بود.

از دیگر مشخصه های تحولات سال گذشته در روسیه را باید فعال شدن محسوس این کشور در عرصه های دیپلماتیک بین المللی دانست که محصول آن ورود عنصر جدیدی به موازنه بین المللی قوا می باشد که در صورت ادامه حضور نیروهای ترقی خواه در مراکز تصمیم گیری این کشور می تواند نقش موثری برای صلح و تسخیر زدایی بازی کند.

دولت روسیه که در سال های اخیر به طور فزاینده نفوذ خود را در جهان از دست داده است حرکت های مشخصی را در جهت اعاده نفوذ این کشور در آسیای مرکزی و در خاورمیانه انجام داد. اصرار دولت روسیه برای سهم بودن در تصمیم گیری های مربوط به توسعه و استخراج نفت و گاز از حوضه دریای خزر و خطوط صدور نفت و گاز این مناطق به اروپا در کنار فاکتورهای اقتصادی ناظر به ملاحظات ژئولیتیک می باشد. دولت روسیه در قبال مساله فلسطین و همچنین بحران روابط ایالات متحده و عراق نقش فعالی را عهده دار گردید. در ماه اکتبر در جریان اخراج هیات های بازرسی سازمان ملل از عراق و تهدید ایالات متحده و انگلستان برای مجازات نظامی این کشور، روسیه نقش میانجی را بازی کرد. دیدارهای پریماکوف با رهبران عراق و مسافرت گنادی زیوگانف به بغداد را در این راستا باید دید. در شورای امنیت، روسیه و فرانسه حرکات آشکار آمریکا و انگلیس را به تنگ تر کردن و تشدید تحریم اقتصادی سد نموده و به انتقاد از مشکل تراشی ایالات متحده بر سر راه اجرای موافقتنامه «نفت در مقابل غذا» پرداختند. فرانسه و روسیه مشتاق هستند که تحریم اقتصادی عراق پایان یابد که این دو کشور بتوانند روابط اقتصادی خود با عراق را تجدید کنند. از دیگر رخدادهای ماه های پایانی سال ۱۹۹۷ را باید شرکت روسیه در کنسرسیوم فرانسوی برای توسعه منابع گاز در ایران دانست. روسیه با حساسگری دقیق و استراتژیک عملا در کنار فرانسه و از موضع اروپا به مثابه یک رقیب اقتصادی امپریالیست آمریکا از حق قانونی خود برای شرکت در این پروژه که ایالات متحده صریحا با آن مخالفت نموده بود، دفاع کرد. این حرکت روسیه از سه جهت به تقویت بین المللی موضع این کشور خواهد انجامید. اول از آنجا که روسیه علنا در کنار اروپای غربی علیه تصمیمات آمریکا عمل کرده به بسط نفوذ روسیه در اروپا کمک می کند. ثانيا این موضع گیری نفوذ روسیه در ایران را افزایش داده و به کشور فرصتی طلایی برای توسعه روابط اقتصادی - تکنولوژیکی می دهد. این مساله مخصوصا در دورانی که جریان نفت و گاز منابع حوضه های واقع در آسیای مرکزی و دریای خزر به غرب مطرح است اهمیت فراوانی پیدا می کند. روسیه بر پایه نفوذ خود بر رژیم جمهوری اسلامی و از طریق آن اهرم سیاسی پر قدرتی را در پایتخت های کشورهای آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز در دست خواهد داشت. ثالثا تحولات روسیه در این قرارداد، نفوذ آن را در کشورهای خاورمیانه عمیق می کند زیرا که روسیه آمادگی خود را در همکاری با یک کشور منطقه که با غرب درگیر است ثابت کرده است و این فاکتور نسبتا مهمی در معادلات سیاسی - دیپلماتیک منطقه بوده است. فعالیت های دیپلماتیک یوگنی پریماکوف وزیر خارجه روسیه را در تمام سال گذشته در راستای جهت دادن سیاست خارجی روسیه در انتقاد از مواضع اسرائیل و مساله نزدیکی به کشورهای عربی را نباید بی ارتباط دانست. در مصاحبه تلویزیونی ای که از تلویزیون های فرانسه و روسیه در روز اول اکتبر پخش شد یلتسین صریحا اعلام کرد که شرکت روسیه در قرارداد توسعه منابع گاز از ایران بیانگر سیاستی دقیقا محاسبه شده و برنامه ریزی شده است که به رغم سهام ناچیز اقتصادی این کشور از عواید آن، عملا محتمل است که آن را به عمده ترین برنده این پروژه تبدیل کند.

این شکست دیپلماتیک را باید در کنار دیگر تحولات در دیپلماسی بین المللی به ضرر ایالات متحده گذاشت و تصویری دقیق تر از یک بیداری و آگاهی گسترش یابنده علیه سیاست های امپریالیستی ایجاد کرد. در خاورمیانه و در ماه های پایانی سال مسیحی کوشش های غرب برای منزوی ساختن لیبی با مشکلات جدی روبرو شد. علاوه بر وابستگان قربانیان بمب گذاری هواپیمای بان آمریکن بر فراز لاکربی در سال ۱۹۸۶ اکنون تعداد وسیعی از کشورهای جهان از پیشنهاد لیبی مبنی بر محاکمه دو شهروند لیبی که مظنون به شرکت در این فاجعه هستند در یک کشور بی طرف حمایت می کنند. این موضع حتی در اجلاس سران کشورهای مشترک المنافع در ادینبور و در انگلستان مطرح گردید. از عواقب چنین موضع گیری ای آمادگی تعداد قابل توجهی از کشورهای عربی و آفریقای برای بی اعتنایی به تحریم هوایی لیبی از سوی ایالات متحده هستند. سفر نلسون ماندلا، رییس جمهور محبوب آفریقای جنوبی به لیبی و ملاقات او با معمر قذافی و حمایت از مواضع این کشور را مطمئنا باید شکستی دیپلماتیک برای ایالات

ادامه جهان در سالی که گذشت

متحدہ دانست. نلسون ماندلا در پاسخ به فشارهای ایالات متحده برای لغو سفر خود به لیبی صراحتاً اعلام کرد که در تعیین دوستان خود حاضر به قبول دستور از واشنگتن نیست. او گفت که برای قدردانی از حمایت های لیبی از جنبش ضد آپارتاید در سال های دشوار مبارزه، به این کشور مسافرت کرده است. این فقط در خاورمیانه نبود که ایالات متحده با مشکل روبرو است. در آمریکای لاتین که از طرف امپریالیسم یانکی به مثابه حیاط خلوت آن محسوب می شود، کوشش های پرزیدنت کلینتون در جریان مسافرتش به کشورهای آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی برای ترغیب این کشورها به پیوستن به پیمان نفتا و گسترش روابط اقتصادی- نظامی، با عدم موفقیت روبرو شد. دلیل چنین روندی را می باید در افشای چهره واقعی امپریالیسم آمریکا و نتایج فاجعه بار سیاست هایش در سراسر جهان دانست. از نمونه های واضح عملکرد فاجعه بار ایالات متحده را باید وضعیت رقت انگیز مردم افغانستان که نتیجه مستقیم سیاست های ایالات متحده در طول دو دهه اخیر بوده است، دانست. ایالات متحده و متحدان آن که در جهاد نامقدس بیش از ده سال علیه حکومت دموکراتیک و انقلابی افغانستان توطئه کردند- پس از سقوط دولت دموکراتیک دکتر نجیب الله و تسلط باندهای مذهبی تاریک اندیش- عملاً هیچگونه حساسیتی در قبال تراژدی زندگی مردم از خود نشان نمی دهند. در طول سال گذشته، جنگ و خون ریزی در افغانستان ادامه یافت. نیروهای وابسته به بنیادگرایان اسلامی طالبان در سال ۱۹۹۷ سعی در تثبیت و گسترش قدرت خود در سراسر کشور کردند. در ژانویه گذشته نیروهای طالبان حمله برق آسای را به نیروهای اپوزیسیون اسلامی به رهبری احمد شاه مسعود که در اطراف کابل بودند سازمان دادند. در ماه مه نیروهای طالبان با کمک گیری از ژنرال عبدالملک که علیه ژنرال رشید دوستم و نیروهای اپوزیسیون در شمال غربی افغانستان شورش کرده بود در آستانه کنترل تمامی کشور قرار گرفتند. لیکن عملیات سبعانه مرتجعین طالبان جنان وضعیتی را باعث شد که ژنرال عبدالملک با عوض کردن جبهه حمله موثری به نیروهای طالبان را سازمان بدهد. نتیجه عملاً تغییر تناسب قوا و پیشروی نیروهای وابسته به اپوزیسیون به طرف کابل می باشد. در آخرین ماه سال ۱۹۹۷ نوربرهال، نماینده ویژه سازمان ملل در افغانستان که اخیراً از سمت خود استعفا کرد، وضعیت کنونی را محصول عوامل داخلی و خارجی ای دانست که حاضر به قبول صلح در کشور نیستند. حمایت صریح ایالات متحده و پاکستان و عربستان از بنیادگرایان طالبان عامل عمده خارجی در ادامه وضعیت کنونی است. ایالات متحده در جستجوی یک راه مطمئن برای صدور ذخایر گازی ترکمنستان- از تسلط یکپارچه طالبان در افغانستان حمایت می کند. در سامبر یک هیات عالی رتبه طالبان در ایالات متحده با مقامات رسمی دولتی و نیز کمیانی های نفتی دیدار و گفتگو کردند. این از چشم جهانپان پنهان نموده است که امپریالیسم آمریکا منافع اقتصادی کمیانی های نفتی را بالاتر و مقدس تر از منافع مردمی می داند که برای دو دهه قربانی توطئه های اهریمنی امپریالیسم بوده اند.

در خاورمیانه نیز سیاست های امپریالیستی به وضوح منافع خلق فلسطین را تابع ملاحظات تجاری و دیپلماتیک کرده است. بحران روند صلح در تمامی طول سال ادامه یافت. دولت نتانیاهو با زیر پا گذاشتن اصلی ترین تعهدات خود در قبال موافقتنامه اسلو سعی در محدود کردن امکان تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی در اراضی اشغالی کرده است. سیاست تحریک آمیز ایجاد مجتمع های مسکونی یهودی نشین در اراضی فلسطینی از طرف دولت اسرائیل ادامه یافت. تصمیم اسرائیل به ساختمان مسکونی در شرق بیت المقدس در منطقه هروما که در بخش عربی این شهر واقع است، عملاً آخرین میخ را بر تابوت پروسه صلح کوبید. ساختمان این مجتمع مسکونی صهیونیستی باعث قطع آخرین کریدوری می شود که این بخش از شرق بیت المقدس را به مناطق فلسطینی نشین در کرانه غربی وصل می کند و به همین دلیل سخت مورد اعتراض مردم و رهبران فلسطینی قرار گرفت. یاسر عرفات و اشنگتن را فراخوانده است که به اسرائیل فشار بیاورد که ساختمان مناطق مسکونی را متوقف کند و تعهدات خود در قبال قرارداد اسلو را محترم بشمارد. لیکن نتانیاهو چهره واقعی امپریالیسم را با کلمات و اقدامات خود در طول ۱۲ ماهه گذشته به نمایش گذارد. او عملاً خواستار عقب کشیدن نیروهای نظامی اسرائیلی از اراضی اشغالی در کرانه غربی و سپردن آن به دست دولت خود مختار فلسطینی نمی باشد. در ماه مارس دولت اسرائیل اعلام کرد که فقط از ۹ درصد اراضی اشغالی عقب نشینی خواهد کرد و همچنین خواستار شد که بلافاصله مذاکرات برای تعیین وضعیت نهایی آغاز گردد. نتانیاهو با اتخاذ چنین موضعی امیدوار است که بتواند از اجرای تعهد خود به عقب کشیدن نیروهای نظامی اسرائیل از ۹۰ درصد اراضی اشغالی، قبل از شروع مذاکرات تعیین وضعیت نهایی، سرباز زند. دولت کلینتون در مقابل تمامی این اقدامات اسرائیل فقط به اتخاذ برخی ژست های دیپلماتیک منجمله خودداری از ملاقات نتانیاهو در هنگام مسافرت او به ایالات متحده در ماه نوامبر، اقدام کرد. مقامات رسمی ایالات متحده به دولت اسرائیل اخطار کرده اند که اگر به عقب نشینی از اراضی اشغالی ادامه ندهد، این کشور حمایت خود را از پروسه صلح قطع کرده و پیشهادهات خود را برای یک راه حل مستقلاً ارایه خواهد داد. البته خلق های جهان با چنین راه حلی

و عواقب آن آشنا هستند. دو سال قبل در جریان بحران بوسنی، ایالات متحده با تحمیل قرارداد دایتون جای پای نیروهای پیمان ناتو را به بالکان باز نمود. پیمان دایتون که بر اساس آن جنگ در بوسنی هرزگوین به پایان رسید توسط ایالات متحده و امپریالیسم جهانی به نام «صلح» تحمیل شد در حالیکه خنجر است بر گلولی خلق های منطقه. امضاء قرارداد ضمن اعلام رسمی ایجاد یک کشور جدید به نام بوسنی هرزگوین زیر قیمومیت ناتو، قدمی کیفیتاً نوین در تثبیت رهبری ناتو در ورای مرزهای عملکرد قبلی آن بود. این گامی برای توسعه بخشیدن به محدوده عمل ناتو در کشورهای سوسیالیستی سابق و در اطریش، فنلاند و سوئد بود. اعلام تمدید مدت استقرار نیروهای ناتو در بالکان که قرار بود در پایان سال ۱۹۹۷ خاتمه یابد و مداخله مستقیم این نیروها در سازماندهی انتخابات، انتشار و عدم انتشار رسانه های گروهی و اقدام یکجانبه به نفع برخی نیروهای سیاسی به درستی گام های مشخص در جهت اعاده کاپیتالیسم در بالکان ارزیابی شده است. ایالات متحده از طریق قرارداد دایتون نقش عمده ای برای خود در بالکان و از آن طریق در اروپای شرقی و کشورهای منطقه مدیترانه دست و پا کرد. ایالات متحده در مسابقه با رقبای اروپایی خود برای کنترل منابع انرژی و نفتی در آسیای مرکزی و نیز منابع و بازارهای کشورهای سوسیالیستی سابق و نیز منطقه دریای اژه از طریق حضور مستقیم نظامی در منطقه بالکان از امتیاز ویژه ای برخوردار شده است. برنامه «مشارکت برای صلح» که در سال گذشته به طور پیگیر از سوی ایالات متحده برای هماهنگی کشورهای سوسیالیستی سابق با ناتو توسعه یافت به امپریالیسم آمریکا فرصتی طلایی برای ایفای رهبری روند احیای سرمایه داری در اروپای شرقی و مرکزی و نیز کنترل منابع نفتی آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز داد. در چارچوب برنامه «مشارکت برای صلح» ایالات متحده همکاری های نظامی تسلیحاتی با ۲۷ کشور از رومانی و اسلونی گرفته تا ترکمنستان و قزاقستان را سازمان داد. این برنامه به پیمان ناتو امکان شرکت مستقیم در تجدید سازماندهی نیروهای مسلح کشورهای شرکت کننده با هدف محدود کردن کنترل ملی و نیز گستردن چتر هسته ای ایالات متحده بر منطقه وسیعی از جهان را داد.

در سال گذشته ایالات متحده موقعیت برجسته و ممتاز خود در پیمان ناتو را تثبیت کرد. در اجلاس سران ناتو در ماه ژوئیه در مادرید پایتخت اسپانیا، کاملاً مشهود بود که ایالات متحده سعی در دیکته کردن نقطه نظرهای خود به دیگر کشورهای عضو این پیمان تجاوزگر داشت در این اجلاس طرح گسترش پیمان ناتو به اروپای شرقی مطرح و پیشنهاد ایالات متحده برای عضویت جمهوری چک، لهستان و مجارستان مورد تصویب قرار گرفت. توسعه پیمان ناتو مهم ترین تغییر در موازنه نیروها در جهان از زمان کنفرانس یالتا در سال ۱۹۴۵ بود. کلینتون در یک مصاحبه مطبوعاتی در این رابطه اعلام کرد که «ما برای اولین بار یک گام تاریخی به سوی یک دنیای صلح آمیز، یکپارچه و دموکراتیک برداشته ایم». و روبرت هانتز سفیر ایالات متحده در ناتو با خوشحالی اعلام کرد که موافقتنامه توسعه ناتو «ترتیبی امنیتی را برای قرن ۲۱ فراهم می کند که جبران کننده تراژدی قرن بیستم است». مطمئناً اظهارات هانتز اشاره ای به مبارزه و توفیق خلق ها در برچیدن نظام های استعماری و نواستعماری در قرن بیستم و در راس آن انقلاب کبیر اکتبر می باشد و اظهارات کلینتون ریشه در انتظارات او در تبدیل قرن ۲۱ به عصر چپاول و غارت خلق ها از سوی امپریالیسم و عدم امکان به مبارزه در مقابل این پروسه دارد.

اشتباه خواهد بود که سال ۱۹۹۷ را سال توفیق امپریالیسم و سرمایه داری در گسترش پایگاه های خود و تحکیم سلطه سرمایه بدانیم. این حقیقت که در سال گذشته در انگلستان و فرانسه ارتجاعی ترین نیروهای سرمایه داری در انتخابات شکست خوردند و نیروهای سوسیال دموکرات با حمایت زحمتکشان قدرت دولتی را در دست گرفتند را باید شروعی در مبارزه علیه مواضع سرمایه داری دانست. این درست است که سوسیال دموکراسی هیچ گونه رسالتی در راستای مبارزه خلق ها برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی و پیشرفت ندارد، ولی به این حقیقت که زحمتکشان با شعارهای مشخص خود برای اشتغال کامل، حفاظت از محیط زیست، دفاع از سیستم تامین اجتماعی به کارزار مبارزه علیه محافل محافظه کار سرمایه داری در فرانسه و انگلستان پرداختند را نباید از چشم دور داشت. در انگلستان شکست حزب محافظه کار و پیروزی یکپارچه حزب کارگر امکانات جدیدی را برای جنبش کارگری در سازماندهی مبارزه برای یک آلترناتیو ترقی خواه واقعی به وجود خواهد آورد.

اشاره ای به ایتالیا- کشوری که ائتلاف نیروهای متمایل چپ در قدرت است و دولت از سوی حزب کمونیست مورد حمایت می باشد- به لحاظ نمایش صف بندی های بغرنج و نوین در اروپا از اهمیت فراوانی برخوردار است. در ماه اکتبر حزب کمونیست ایتالیا با قطع حمایت خود از دولت به دلیل خودداری آن از قبول درخواست زحمتکشان و اتحادیه های کارگری، آن را ساقط کرد و فقط پس از مذاکرات طولانی و بغرنج بود که حاضر به حمایت از ادامه دولت رومانو پرودی گردید. فائوستو برتینوتی گفت که موافقتنامه جدید یک «مصلحه» است. برتینوتی دولت را مجبور کرد که تغییرات مهمی را در بودجه ۱۹۹۸ به نفع

ادامه جهان در سالی که گذشت...

زحمتکشان بدهد از جمله محدودیت حقوق بازنشستگی کارگرانی که قبل از موعد بازنشسته می شوند لغو شد، طرح خصوصی سازی متوقف شد، دولت پذیرفت که در جهت ایجاد اشتغال برای ۳۰۰/۰۰۰ نفر در جنوب ایتالیا اقدام نماید و همچنین تا قبل از سال ۲۰۰۰ مصوبه ۳۵ ساعت کار در هفته به اجرا گذارده شود. اگر چنین دستاوردهایی را در کنار جنبش کارگری یویا و مبارز در یونان و فرانسه و اسپانیا و آلمان و ایتالیا در نظر بگیریم قادر خواهیم بود رگه های نور را در ظلمت مشاهده کنیم. تظاهرات ۵۰/۰۰۰ نفری زحمتکش در آمستردام در ماه ژوئن در جریان اجلاس سران اتحادیه اروپا و تظاهرات ۲۰/۰۰۰ نفری اتحادیه های کارگری و فعالان جنبش در لوکزامبورگ در نوامبر در طلب سیاست های اشتغال کامل و سیستم تامین و رفاه اجتماعی دو نمونه برجسته فعالیت متحد ترقی خواهان اروپا برای گرفتن ابتکار عمل به دست خود می باشد.

مثال های عیدیه ای از توفیق خلق ها در مبارزه علیه امپریالیسم و در جهت احقاق حقوق خود و نفی دیکتاتوری در سال گذشته می توان ذکر کرد. از بارزترین این پیروزی ها، توفیق خلق های ژئیر در اولین روزهای خرداد ماه در سقوط کساندن دیکتاتوری فاسد، ارتجاعی و دیربای موبوتوسه سسکو و تاسیس جمهوری دموکراتیک کنگو بود. موبوتو که گفته بود هیچگاه لقب «پرزیدنت سابق» را قبول نخواهد کرد با نزدیک شدن واحدهای نظامی نیروهای اپوزیسیون به کینشازا با چمدان های پر از پول و جواهر به همراه افراد خانواده و سرسپردگان خود در شرایطی که بی شباهت به فرار شاه از ایران نبود خاک ژئیر را ترک گفت و سرانجام در تبعید با بیماری سرطان چشم از اندوخته های عظیم غارت شده اش بست. او در طول ۳۲ سال حاکمیت خود منابع غنی الماس، طلا، کوبالت و مس کشور را مانند مایملک شخصی خود و خانواده اش تاراج کرده بود و ژئیر را به پایگاه ارتجاع در آفریقا بدل کرده بود. موبوتو عامل امپریالیسم در تمامی طرح های آنها علیه حکومت های ترقی خواه در آنگولا، زیمبابوه، زامبیا و تانزانیا بود و نقشی موثر در قتل عام فجیع سال ۹۴ در کشور رواندا بازی نمود. پیروزی نیروهای ترقی خواه زیر فرماندهی کابیلا در یک کارزار ۷ ماهه بسیار سریع و با استفاده از تمامی امکانات توده ها و خلق های منطقه و متوجه کردن آتش علیه نقطه ضعف اصلی رژیم موبوتو ممکن گردید. ایالات متحده که در طول ۳۲ سال حکومت ترور و سرکوب موبوتو سه سسکو از حمایت مستقیم کرده بود در اولین ساعات به قدرت رسیدن دولت جدید مخالفت خود با اراده خلق ها را صریحا ابراز داشت و گفت: «موضع ایالات متحده روشن است. ما خواستار مشاهده گذار به یک دموکراسی واقعی در ژئیر هستیم». مطمئنا اشاره کلینتون به «دموکراسی واقعی ای» بود که موبوتو در طول حاکمیت خود برای مردم ژئیر به ارمغان آورد و ایالات متحده از آن حمایت می کرد. یکی از فرماندهان جدید دولت جمهوری دموکراتیک کنگو درباره برنامه دولت کابیلا، انقلابی با سابقه آفریقا، گفت: «ما باید مردم را از نظر سیاسی بيدار کنیم. این اولین وظیفه ما می باشد. هدف این است که از امکان به وجود آمدن وضعیت که در آینده یک فرد بتواند قدرت را تماما در دست خود بگیرد جلوگیری کنیم». کابیلا با اعلام دولت موقت، تعهد کرد که در ظرف ۱۲ ماه با برگزاری انتخابات دموکراتیک در کشور، آینده ای بهتر برای مردم کنگوی دموکراتیک بر پایه منابع سرشار معدنی کشور، رقم بزند.

به موازات پیروزی خلق های آفریقا در تلاش برای ساختمان جامعه ای بهتر و عادلانه تر در کنگوی دموکراتیک، در آنگولا، در رواندا و در آفریقای جنوبی، سرمایه داری در جنوب شرقی آسیا با بزرگ ترین و جدی ترین بحران دوران معاصر خود روبرو بود.

مهم ترین رخداد سال گذشته را باید بحران شدید سرمایه داری در اقتصادهای معروف به «بیرهای آسیایی» دانست، در بحرانی که در واقع از تابستان ۱۹۹۷ آغاز گشت و در آخرین روزهای سال مسیحی به شدت ادامه داشت اقتصاد های تایلند، برمه، اندونزی، ژاپن، مالزی و کره جنوبی به لرزه در آمدند. ورشکستگی صدها بانک و موسسات عظیم مالی در این کشورها، سقوط بی توقف ارزش سهام و واحدهای پولی این کشورها - به بی ثباتی عمده ای دامن زده است که نه فقط این کشورها را لرزاند بلکه اثرات طولانی مدت برای ثبات و عملکرد بازارهای مالی عمده سهام در نیویورک، لندن، فرانکفورت و پاریس در پی خواهد داشت. این بحران فقط بحران بخش مالی این کشورها نبود بلکه برپایه وسعت آن ریشه در ساختار اقتصادی ویژه «بیرهای آسیایی» داشت. این اقتصادها در دوده گذشته در نتیجه سرمایه گذاری های وسیع بین المللی که به دلیل دستمزد پایین کارگران و موضع مطیع و فرمانبردار دولت های حاکم به این منطقه سرازیر شده بودند. نرخ رشد های بالا و چشمگیری را به نمایش گذاردند. جذبات جنبش رشد بالا و همچنین سیستم حاکمیت غیر دموکراتیک چنان بود که نه فقط محافل از تکنوکرات های جهان سوم از جمله جمهوری اسلامی را بلکه حتی نیروهای بیرو خط سوم را در کشورها در حال توسعه به خود جلب نموده بود. آنچه از انظار پنهان بود اینکه این اقتصادها به دلیل ماهیت سرمایه داریشان از بحران های ذاتی سرمایه داری مصون نخواهند بود. تشدید رقابت برای صادرات به ایالات متحده و دیگر کشورهای امپریالیستی فشار فزاینده برای بازپرداخت وام های هنگفت در تابستان گذشته به مرحله حادی رسید. در ابتدا

تایلند ضعیف ترین این کشورها زیر فشار قرار گرفت و واحد پولی آن دچار سقوط آزاد، و در نهایت رسماً تقلیل ارزش یافت. صندوق بین المللی پول با امید به کنترل بحران با اختصاص ۱۷ میلیارد دلار وام به این کشور و تجویز تعدیل های ساختاری، مالیات بالاتر و نیز کاهش هزینه های عمومی در اوضاع مداخله نمود. بحران در عمل به تعطیل پروژه های فراوان و بیکاری وسیع انجامید. در پایان تابستان همین وضعیت در فیلیپین، اندونزی و مالزی تکرار شد. واحدهای پولی این کشورها ارزش خود را به سرعت از دست داده و بازارهای سهام سقوط کردند. با انتقال اثرات بحران به ژاپن برخی از بزرگ ترین موسسات مالی این کشور ورشکست شدند.

با گسترش بحران به کره جنوبی، در طول ماه های نوامبر و دسامبر، سرمایه داری جهانی عمق گسترش یابنده بحران را دریافت. تشکیل کمیته ویژه جلوگیری از رشد بحران در واشنگتن با حضور خود بیل کلینتون حکایت از ابعاد بحران سرمایه داری و تهدید آن برای سرمایه داری جهانی دارد. تخصیص ۵۷ میلیارد دلار وام و سرازیر کردن منابع مالی برای جلوگیری از سقوط اقتصاد کره جنوبی که در ابتدای دسامبر ارزش واحد پولی آن ۳۰ درصد و ارزش بازار سهام ۵۰ درصد کاهش پیدا کرده بود، نسخه صندوق بین المللی پول بود.

برخی از رهبران این کشورها از جمله ماهانیز محمد، نخست وزیر مالزی بحران را نتیجه عملکرد تجار ارز می دانند لیکن مشکل این اقتصادها عمیق تر و وسیع تر از آن است که عمل یک تاجر ارز را هر چقدر هم پر قدرت و با نفوذ باشد بانی آن بدانیم. بحران حاضر نتیجه طبیعی رشد سرمایه داری است. سرمایه داری بین المللی در شرایطی که این اقتصادها را بارور و قدرتمند یافت برای لیبرالیزه کردن آنان، بازار سازی و تبدیل عرصه های بومی این کشورها به تجارت و سرمایه گذاری برای کم کردن نقش دولت و خصوصی سازی ها اقدام نمود. آنچه بنیان اقتصادهای «بیرهای آسیایی» را لرزاند است محصول فشار طبیعی برای رقابت آزاد و کور برای کنترل بازار است. آنها نتیجه طبیعی انعطاف و لیبرالیسم اقتصادی سرمایه داری را تجربه می کنند. بی خانمان شدن میلیون ها زحمتکش، بیکار شدن میلیون ها حضور استعمارگرانه سرمایه داران غربی و بسته شدن مستقیم آرا به اقتصادی این کشورها به سرمایه داری جهانی رسماً بی سرانجام بودن رشد سرمایه به شیوه آسیای جنوب شرقی را به ثبوت رسانده است. اثرات شکست سرمایه داری در «بیرهای آسیایی» برای مدت ها در جهان سرمایه داری ادامه خواهد داشت.

ادامه : ماده ۸۲ قانون ...

حق بیمه کسر می کند. دولت و کارفرمایان در طی سالیان اخیر همواره از پرداخت سهم خود ظفره رفته اند، بطوریکه براساس آمار رسمی رقم بدهکاری دولت به سازمان تامین اجتماعی بیش از ۱۴۵ میلیارد تومان است. برپایه آنچه اشاره رفت، باید به صراحت تاکید کرد، اصلاح این ماده بار مالی در بر ندارد و در ثانی اگر بار مالی نیز به همراه داشته باشد، از آنجا که سازمان مذکور متعلق به کارگران می باشد، ربطی به دولت و فشار مالی به دولت ندارد. در این خصوص، علیرضا محبوب مهره رژیم در مسایل کارگری طی مصاحبه ای با روزنامه کیهان به تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۷۵ اعتراف کرده بود این طرح بار مالی ندارد. شاید کل مستمری بگیران زن بیش از ۳۰ تا ۳۵ هزار نفر بالغ شود....»

همه اینها، گواهی می دهد که به اصطلاح مشکل «بار مالی» نبوده است که باعث رد این لایحه توسط شورای نگهبان گردیده، شورای نگهبان و دیگر نهادهای رژیم ولایت فقیه بنا به سرشت کارگر ستیز و واپس مانده خود و نیز سیاست زن ستیزی با این اصلاحیه مخالفت می کنند. ماده ۸۲ قانون تامین اجتماعی از آنجا که براساس دیدگاه واپسگرایانه سران رژیم تدوین شده ماده ای مورد مخالفت جدی طبقه کارگر است. تبلیغات نهادهای وابسته به رژیم، مانند خانه کارگر و برخی نمایندگان مجلس برای به اصطلاح اصلاح این ماده در راستای تامین واقعی منافع کارگران نیست. بلکه این موضعگیری ها بخشی از آن مجموعه تلاشها و ترفندهایی است که مسؤولین جمهوری اسلامی برای مهار و خنثی کردن جنبش اعتراضی روبه گسترش طبقه کارگر از ماهها پیش آغاز کرده اند. در شرایط کنونی ما شاهد رشد کمی و کیفی مبارزه کارگران در تمامی سطوح هستیم. درگیری و تنش در هرم حاکمیت و اختلاف نظر در برخورد با منافع و خواست های کارگران از سوی جناحهای مختلف به نوبه خود بازتاب این رشد کمی و کیفی جنبش کارگری است. کوشش برای اصلاح ماده ۸۲ قانون تامین اجتماعی آنها با تبلیغات پرهزینه از سوی یک جناح و مخالفت جناح دیگر به آن در چارچوب این وضعیت کلی قابل ارزیابی است. لزوم اصلاح فوری ماده ارتجاعی ۸۲ تامین اجتماعی که حق مسلم و انکار ناپذیر زنان کارگر میهن ما را پایمال می کند، از محورهای مهم مبارزه کارگری محسوب می شود. همین واقعیت است که باعث شده، اصلاح آن و مخالفت رژیم با آن با چنین ابعادی در مطبوعات مجاز انعکاس پیدا کند. کارگران میهن ما به تجربه دریافته اند، تنها با مبارزه، مبارزه ای اصولی، هوشیارانه و سازمان یافته می توانند منافع خود را تامین کنند. مبارزه در راه خواست های مشخص همانند اصلاح و تجدید نظر بنیادین در مواد ارتجاعی نظیر ماده ۸۲ قانون تامین اجتماعی تنها در پرتو تشکیلات و اتحاد کارگران عملی خواهد شد.

ادامه: بودجه سال ۱۳۷۷ ...

لایحه بودجه به مجلس، نجفی رییس سازمان برنامه و بودجه در یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن ترسیم خطوط کلی بودجه از جمله گفت: «نظر به اینکه بودجه سال آینده انقباضی است نه انقباضی به همین دلیل توجه به اشتغال و همچنین حمایت از سرمایه گذاری در بخش های تولیدی را تأمین امنیت سرمایه گذاری بخش غیر دولتی از اهمیت بالایی برخوردار است...» بر اساس اظهار نظر نجفی: «در بودجه سال آینده نرخ هر بشکه نفت ۱۷/۵ دلار در نظر گرفته شده است و کسری بودجه نخواهیم داشت و در صورتی که قیمت فروش نفت کاهش یابد باید از محل افزایش فروش آن کسری فوق جبران می شود...» (کیهان ۱۱ آذرماه ۱۳۷۶).

بودجه سال ۱۳۷۷ نخستین فرصت دولت خاتمی برای اعلام جهت گیری اقتصادی - اجتماعی در جهت تحقق قول های انتخاباتی بود که در جریان انتخابات دوم خرداد ماه به مردم داده شده بود. مروری کلی بر خطوط و رؤس کلی بودجه نشان می دهد که این لایحه زیر فشار نیرومند رقابت های جناحی و همچنین با هدف ایجاد محمل های ضرور احتیاطی برای جلوگیری از تشدید و گسترش بحران اقتصادی - اجتماعی تنظیم شده است. موضوع «مبارزه با فقر» نیز جهت گیری جدیدی در بودجه محسوب نمی شود. رفسنجانی در آخرین بودجه ای که به مجلس تقدیم کرد لایحه ای مجزا برای مبارزه و زدودن فقر در جامعه ارائه کرد که ما به موقع خود آن را یک عمل بیشتر تبلیغاتی در جهت آرام کردن فضای ناراضی جامعه ارزیابی کردیم. ما بارها قبلاً نوشته ایم که ساختار اقتصادی کشور ما یک ساختار بیمار با ناهنجاری های زیاد حتی در زمینه رشد سرمایه داری است. برای ایجاد تغییرات بنیادین می بایست این ساختار را به کلی دگرگون کرد. مشکل اقتصادی - اجتماعی کشور ما بر خلاف آنچه در بودجه آمده است عدم «فعالیت بخش خصوصی» نیست بلکه ماهیت عمدتاً دولتی و واسطه گری است که اقتصاد ما در راستای تأمین منافع ضد ملی و ضد مردمی کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری بوروکراتیک پیدا کرده است. اجرای سیاست های تعدیل اقتصادی تحمیل شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و اثرات آن از جمله بیکاری مزمن و عدم توجه کافی به تولید داخلی و باز کردن بی رویه و کنترل مرزهای کشور به روی کالاهای مصرفی از جمله معضلات اساسی است که در سال های اخیر به دلیل سیاست های اتخاذ شده از سوی رژیم دشواری های کنونی را ایجاد کرده است. خاتمی در سخنانی که به هنگام ارائه بودجه ایراد نمود در واقع روشن کرد که تمامی ادعاهای «سردار سازندگی» پیرامون ایجاد موازنه مثبت در عرصه بودجه دروغ های بزرگی بیش نبوده است و دولت کنونی با ده ها میلیارد ریال کسری بودجه و حداقل ۳۰ میلیارد دلار بدهی خارجی روبرو است.

نکته دیگری که در مورد بودجه باید توجه کرد ادامه روند وابستگی بودجه به درآمد نفت است. اگرچه در لایحه بودجه پیش بینی شده است که درآمدهای بودجه ۲۶/۹ درصد از درآمدهای مالیاتی، ۳۶/۴ درصد درآمدهای

مربوط به نفت و گاز، و ۳۶/۷ درصد را سایر درآمدهای دولت تشکیل می دهد». ولی توجه دقیق تر به آمار و ارقام بودجه نشان می دهد که اقتصاد کشور ما عمدتاً همچنان یک اقتصاد تک محصولی وابسته به درآمد نفت است که با کوچکترین نوساناتی در بازار نفت ارقام این بودجه می تواند همگی غیر واقعی از آب درآید. ادعای اینکه در صورت کاهش قیمت نفت، کاهش درآمد با فروش بیشتر نفت جبران خواهد شد، نیز ادعای بی پایه ای بیش نیست زیرا بر اساس ارزیابی کارشناسان نفتی، ایران هم اکنون بالاتر از سقف تعیین شده توسط اوپک نفت استخراج و در بازار به فروش می رساند و ثانیاً به دلیل وجود مازاد نفت در بازارهای جهانی چنین امری به راحتی و سادگی امکان پذیر نیست. ثالثاً این دیگر هنری، آنهم در خدمت مردم و کشور نیست که به بهای طرح ثروت ملی آن، مدعی رفع تنگناهای اقتصادی شد.

نکته اساسی دیگر که در بودجه باید به آن توجه کرد موضوع هزینه های عمرانی است. دولت خاتمی اعلام کرده است که در بودجه برای هیچ طرح عمرانی جدید بودجه تأمین نشده است. به گفته نجفی: «در بودجه سال ۱۳۷۷ به تکمیل طرح های عمرانی نیمه تمام اولویت داده شده است و تنها در موارد استثنایی طرح های جدید عمرانی مورد پذیرش قرار می گیرد...» (کیهان ۱۱ آذرماه ۱۳۷۶). به بیان روشن تر شرایط ورشکستگی مالی میلیاردها بدهی داخلی و خارجی سبب آن شده است که طرح های عمرانی کشور در اولویت بودجه قرار نداشته باشد و جمهوری اسلامی تنها توان ادامه بخشی از طرح هایی را دارد که «سردار سازندگی» قبلاً به دروغ خیر شروع، تعیین بودجه و اتمام آن را با بوق و کرنا اعلام کرده بود.

لایحه بودجه سال ۱۳۷۷ روشن نمی کند که چگونه در شرایط بودجه عمرانی و بدین ترتیب کاهش فعالیت های عمرانی قرار است فرصت های شغلی جدید در کشور ایجاد شود و با روند روبه گسترش بیکاری که زندگی میلیون ها شهروند کشور ما را سیاه کرده است مبارزه کند. عدم هیچ سیاست مشخصی برای کنترل رشد تقدینگی بخش خصوصی و ادامه سیاست های خصوصی سازی ارائه شده از سوی دولت رفسنجانی و همچنین اتکالی دولت به بخش خصوصی به مثابه ستون اساسی اقتصاد کشور نشانگر آن است که هدف گیری های عمده بودجه کشور نه تنها در راه تأمین منافع توده های محروم و زحمتکش نیست بلکه همچنان در راه تأمین منافع کلان سرمایه داری تجاری و بورژوازی بوروکراتیک نوین می باشد.

بودجه سال ۱۳۷۷، که توسط دولت خاتمی به مجلس ارائه شده است، نمودار روشنی از ناتوانی رژیم «ولایت فقیه» در برخورد به معضلات عظیم اقتصادی - اجتماعی میهن ماست. با سیاست های ارائه شده در بودجه هیچ تغییر محسوسی در زندگی زحمتکشان و میلیون ها ایرانی که بر اثر سیاست های ضد ملی و ضد مردمی رژیم در شرایط بسیار طاقت فرسای اقتصادی در زیر خط فقر و محرومیت زندگی می کنند، ایجاد نخواهد کرد.

ماده ۸۲ قانون تأمین اجتماعی مغایر منافع کارگران است

بحث پیرامون مسایل کارگری، بویژه نقش و جایگاه سازمان تأمین اجتماعی در میان محافل و نیروهای وابسته به رژیم ولایت فقیه در ماه های اخیر شدت بی سابقه ای یافته است! سازمان تأمین اجتماعی که نهادی با اختیارات گسترده در جامعه کارگری به شمار می آید و یکی از دستاوردهای مبارزاتی طبقه کارگر ایران می باشد، بی جهت در مرکز بحث و درگیری جناح های مختلف حکومتی قرار نگرفته است! شیوه اداره و عملکرد این سازمان تأثیر سریع، مستقیم و جدی بر زندگی کارگران و خانواده هایشان باقی می گذارد. سخنان اخیر علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر وابسته به رژیم ولایت فقیه درباره ترکیب هیات مدیره این سازمان، گوشه هایی از ژرفای کشمکش میان نیروهای حکومتی در باره مسایل کارگری را نشان می دهد.

روزنامه کار و کارگر، ارگان خانه کارگر در گزارشی از جلسه هفتگی کانون شوراهای اسلامی کار از قول علیرضا محبوب نوشت: «اصلاح ترکیب هیات مدیره تأمین اجتماعی در جهت حضور نماینده کارگر و کارفرما در هیات مدیره جدید آن ضروری ست. در صورت اصلاح در ترکیب هیات مدیره گام های مهمتری در جهت حل مشکلات جامعه کارگری می توان برداشت...»

این سخنان و گفته هایی نظیر آن از سوی دیگر مسؤولین و مهره های رژیم، بازتاب گسترده ناراضیاتی طبقه کارگر از شرایط موجود و نیز گسترش دامنه جنبش اعتراضی کارگران است. در مورد مساله اخیر، یعنی اوج گیری جنبش اعتراضی، در کنار انواع ترفندها و مانورها برای مهار این جنبش مانند «وعده» ایجاد استراحتگاه - آموزش فنی و حرفه ای کارگران، بن کارگری و بازنگشتگی پیش از موعد زنان کارگر، لایحه اصلاح ماده ۸۲ قانون تأمین اجتماعی نیز از سوی برخی نمایندگان مجلس مطرح شد، هنگام ارائه این اصلاحیه، تبلیغات پرسروصدائی درباره آن به راه افتاد، مطبوعات مجاز از امضاء ۱۰۰ نماینده مجلس در پشتیبانی از این لایحه گزارشات مسیوطی ارائه دادند. اما این اصلاحیه با قاطعیت مورد مخالفت شورای نگهبان قرار گرفت و چند هفته پیش رسماً رد شد. در این خصوص سهیلا جلودارزاده نماینده رژیم در مجلس در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه کیهان به تاریخ ۱۰ تیرماه ۱۳۷۶ گفت: «علت مخالفت شورای نگهبان با این ماده بار مالی آن بوده است. بار مالی این ماده از قبل توسط سازمان تأمین اجتماعی، تأمین شده بود و هیچ بار مالی جدیدی بردوش دولت نخواهد گذاشت. این لایحه اکنون به کمیسیون مربوطه برگشته و امیدواریم در بررسی مجدد که نماینده شورای نگهبان نیز حضور خواهد داشت، نظر این شورا را به ادله محکم جلب کنیم...»

مخالفت مجلس و شورای نگهبان با اصلاح ماده ۸۲ قانون تأمین اجتماعی به هیچ روشکفت آور نبود و کاملاً هم پیش بینی می شد! البته برخلاف ادعای خانم جلودارزاده، علت مخالفت بر اصطلاح بار مالی نبوده و نمی توانست هم باشد.

برپایه ماده ۸۲ قانون تأمین اجتماعی وراثت و بازماندگان کارگران زن از دریافت حقوق مستمری پس از فوت آنها برخوردار نمی شوند. این در حالیست که بازماندگان کارگران مرد از حقوق و مستمری مشخص و قانونی برخوردار هستند.

کلیه کارگران شاغل چه زن و چه مرد در طول اشتغال خود حق بیمه ای را پرداخت می کنند که در واقع پس اندازی برای دوران بازنشستگی محسوب می شود، این مقدار و میزان حق بیمه که در طول سالیان پس انداز شده برپایه ماده ارتجاعی و ضد انسانی ۸۲ تأمین اجتماعی، برخلاف تمام عرف و قوانین مدنی و انسانی پس از فوت کارگر زن شامل حال بازماندگان درجه اول او نمی شود، در حالیکه در مورد کارگران مرد به بازماندگان آنها تعلق می گیرد. به بیان روشن، یک زن کارگر در طول دوران اشتغال خود سهمی از زحمت و تلاش خود را در سازمان تأمین اجتماعی پس انداز می کند اما فرزندان و بازماندگان او پس از فوت وی از هیچ حقی برخوردار نیستند!

سازمان تأمین اجتماعی دارایی های خود را از دستمزد کارگران گرد می آورد. سازمان مذکور برپایه قوانین موجود، ماهیانه معادل ۳۰ درصد، شامل ۷ درصد کارگران، ۲۰ درصد کارفرما و ۳ درصد دولت به عنوان

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره پنجم جبهه چپ متحد اسپانیا

«کارزار برای اشتغال کامل، دموکراسی و علیه نئولیبرالیسم حاکم»

برخوردار دانست و در پاسخ به آنان که از عدم اتحاد جبهه چپ با حزب سوسیالیست انتقاد می کردند، گفت: «حافظه خود را از دست ندهید. بیاد بیاورید که حزب سوسیالیست حاضر به تشکیل دولت ائتلافی با جبهه چپ نشد بلکه با نیروهای ناسیونالیستی دست راستی ائتلاف کرد». کنگره پنجم جبهه چپ در جریان بحث های سه روزه خود با تصویب گزارش اسناد و انتخاب یک شورای رهبری جدید به کار خود پایان داد.

هیات نمایندگی حزب توده ایران در طول سه روز کنگره به موازات پیگیری بحث های کنگره دیدارهای متعددی را با احزاب و نیروهای شرکت کننده در کنگره به منظور تبادل نظر و توضیح اوضاع سیاسی کشور و تحکیم روابط متقابل انجام داد. علاوه بر تماس و مذاکره با مسؤولان حزب کمونیست اسپانیا همچنین جبهه چپ متحد در توسعه روابط متقابل، هیات نمایندگی حزب توده ایران با هیات های نمایندگی حزب مردم فلسطین، حزب کمونیست بولیوی، حزب سوسیالیست هلند، حزب کمونیست اطریش، حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست یونان و حزب سوسیالیست چپ نروژ ملاقات و تبادل نظر نمود.

ادامه معمای فیزیک کوانتم و ...

کار بستن دیالکتیک ماهیت و پدیده به این وضعیت می توان گفت که ما با دوفوتون تنها سرو کار نداریم، بلکه با یک ماده کوانتومی سر و کار داریم که خود را در پدیده های ثبت شده در فعل و انفعالات با دستگاه های ردیاب آشکار می نماید. در بیان دیگری از دیالکتیک ماهیت و پدیده، نور، به عنوان یک ماده کوانتومی، خود را یا به صورت خاص موج مانند و گسترده شده (امواج نور) و یا ذرات نقطه مانند آشکار می کند. فیزیکدانان مارکسیست نقشی فعال در مناظرات در مورد تئوری کوانتم بازی کرده اند. برخی احساس می کردند که جنبه آماری رفتار پیش بینی شده توسط تئوری کوانتم با جبرگرایی ماتریالیسم دیالکتیک در تضاد بود. دیگران، با توجه به آثار مارکس، پی بردند که او همواره قوانین خود را به صورت گرایش ها، و نه رابطه یک علت و یک معلول، فرموله می کرد. ولادیمیر فوک از اتحاد شوروی، پال لانگوین از فرانسه، میتاوتاکتانی از ژاپن، که هر سه کمونیست بودند، در دفاع از جبرگرایی آماری بزرگ بحث کردند. هر یک نبردهای ایدئولوژیک دشواری با جریان های دکماتیک در فلسفه مارکسیستی در کشورهای خود داشتند.

اما نظرات آنها در نهایت غالب شد. در سال های ۱۹۵۰، فیزیکدان دیوید بوهم، یک کمونیست آمریکایی (که توسط کمیته فعالیت های غیر آمریکایی کنگره آمریکا مجبور به تبعید به برزیل و سپس به انگلستان گردید) مشهورترین مدافع نظریه انیشتن در جهان گردید.

فوک سرانجام تأثیری عمیق بر بورد داشت و او را ترغیب کرد تا استدلال های فلسفی ایده ایستی خود را در دفاع از نظریه اکنون عموماً پذیرفته شده خود مبنی بر اینکه به یک سیستم کوانتومی باید به مثابه یک کل غیر قابل تقسیم برخورد شود و نه تنزل دادن آن به جمع اعضای آن، نتیجه گیری ای که از آن دیالکتیکی تر نمی توان یافت، را با یک محتوای ماتریالیستی تر تعدیل و تکمیل کند.

پنجمین کنگره جبهه چپ متحد IU اسپانیا در روزهای ۱۴ تا ۱۶ آذرماه در تالار قصر کنگره مادرید با شرکت ۱۵۰۰ نماینده از ۱۶ فدراسیون منطقه ای و با حضور ۷۳ هیات نمایندگی بین المللی از جنبش های چپ و کارگری و کمونیستی برگزار شد. به دعوت رفیق خولیو آنگیتا، مسؤول کل «جبهه چپ» هیات نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره شرکت نمود. هیات نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران نیز در کنگره حضور داشت.

جبهه «چپ متحد» در سال ۱۹۸۶ با ابتکار حزب کمونیست اسپانیا و با شرکت احزاب و گروه های منطقه ای و با گرایش های سوسیالیستی و چپ و رادیکال تشکیل گردید. حزب کمونیست اسپانیا به مثابه عمده ترین نیروی جبهه چپ تمامی فعالیت های سیاسی بیرونی و انتخاباتی خود را از طریق «چپ متحد» سازمان می دهد. ۷۱/۸۰۰ تن عضو رسمی جبهه چپ هستند و در انتخابات پارلمانی گذشته ۱۰/۶ درصد رای دهندگان یعنی بالغ بر ۲/۷۰۰/۰۰۰ نفر از مردم و زحمتکشان اسپانیا به نفع پلاتفرم انتخاباتی آن رای دادند.

نظر به پیروزی نیروهای راست در بدست گرفتن کنترل دولت در انتخابات و قریب الوقوع بودن مراحل نهایی اتحادیه اروپا و همچنین بحث های جدی در کشور بر سر اتخاذ برنامه ای موثر برای مبارزه با بیکاری توده ای و فساد دولتی، کنگره پنجم چپ متحد اهمیت ویژه ای یافته بود.

طبق اظهار سازمان دهندگان کنگره، کنگره مزبور وظیفه تدقیق برنامه آلترناتیو برای پاسخ دادن به سیاست های نئولیبرالی حاکم را به عهده گرفته بود. این آلترناتیو می بایست راه حل های ترقی خواهانه ای را برای مسائلی که بشریت در آستانه هزاره سوم میلادی با آن روبروست از قبیل اشتغال، بیکاری مدل های توسعه مردمی، حفظ محیط زیست، توسعه و بسط دموکراسی، مبارزه برای کسب برابری واقعی بین زن و مرد، مبارزه علیه نژاد پرستی، تامین صلح و امنیت و از بین بردن شکاف بین شمال و جنوب ارائه نماید. چپ متحد طرفدار عضویت اسپانیا در اتحادیه اروپا است ولی معتقد است که نیروهای چپ و رادیکال باید در جهت دموکراتیزه کردن ساختارهای آن فعال باشند. خولیو آنگیتا در ابتدای گزارش خود به کنگره با اشاره به حضور ۶۱۵ خبرنگار و نمایندگان رسانه های خبری از انتظاراتی که این کنگره در جامعه برانگیخته است سخن گفت. این حقیقتی است که دولت دست راستی انزوار قادر به ارائه راه حل برای بحران ریشه ای کشور از جمله بیکاری ۲۰ درصدی نیروی کار و فساد فراگیر دستگاه دولتی نبوده است و با ورشکستگی سیاسی حزب سوسیالیست و فیلیپ گونزالس که در طول سال های حاکمیت خود عملاً قدمی به سود مردم برنداشتند؛ اکنون زحمتکشان اسپانیا در جستجوی آلترناتیو هستند. رای ۲/۷ میلیون نفر از مردم به پلاتفرم جبهه «چپ متحد»، رای علیه عضویت ناتو، رای به خاطر اشتغال برای همه، حفاظت از محیط زیست و توسعه دموکراسی است.

بخش عمده ای از سخنرانی رفیق آنگیتا به توضیح جوانب مختلف آلترناتیو ترقی خواه برای دستیابی به «سوسیالیسم دموکراتیک» اختصاص داشت. او عاجل ترین عرصه های فعالیت «چپ متحد» را کارزار برای ۳۵ ساعت کار در هفته، مبارزه علیه عضویت در ناتو و دفاع از سیستم رفاه اجتماعی دانست. او فعالین جبهه چپ را فراخواند که «نیروی خود را در دفاع از بهداشت ملی و آموزش ملی در خیابان ها به نمایش بگذارند». او گفت نئولیبرالیسم دفاع از دموکراسی را خرابکاری می داند پس بیاید خرابکار باشیم. با توجه به بحث های داغ در مورد امکان فعالیت مشترک جبهه چپ با حزب سوسیالیست، رفیق آنگیتا محورهای عمده چنین امری را ترسیم نمود. او حزب سوسیالیست را فراخواند که «قدم اولیه را برای شروع گفتگو بردارد» و اضافه کرد جبهه چپ خواستار «اتحاد عمل نیروهای چپ است ولی این امر باید برپایه برنامه مشخص انجام پذیرد». وی ضمن تشویق سوسیالیست ها به کار مشترک گفت: «برای پیوستن به ما به آنها خوش آمد می گویم ولی تمایلی به ورود به بحث های مذهبی نداریم».

خولیو آنگیتا به موازات ترسیم محورهای اتحاد عمل با حزب سوسیالیست و دیگر نیروهای اجتماعی شرکت کنندگان در کنگره را از خوش بینی در مورد سهولت این امر

ابراهیم از هلند ۱۰۰ مارک
در راه کنگره از اتریش
۷۰۰ مارک

کمک های مالی
رسیده

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:522

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm

6 January 1998

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse